

بلاغت سامی و قواعد نظم متقارن و نقد و بررسی آن در سوره صف

محمد حسین احمدیار^۱

سیمین ولوی^۲

علیرضا باقر^۳

چکیده

یکی از نظریات درباره قرآن کریم، نظریه میشل کوپپرس است. وی معتقد است با استفاده از بلاغت سامی و نظم متقارن و معکوس، رهیافتی نو به نظم و انسجام قرآن دارد. او با استفاده از بلاغت سامی به فن تالیف کلام توجه می‌کند و دیدگاهی کل نگر به متن قرآن دارد. وی طبق بلاغت سامی، متن را به سطوح مختلف تقسیم و آن‌گاه اشکال گوناگون تقارن یعنی توازی ترادفی، توازی تضادی، توازی تالیفی یا تکاملی، نظم محوری یا ترکیب دایره‌ای، نظم معکوس یا ترکیب آینه‌ای یا مقابله عکسی را با کمک شاخص‌های تالیفی تجاور، دوتایی بودن، ترادف، تضاد، تشابه، تکرار یا این‌همانی، تماثل صوتی یا هم صدایی، مشابهت‌های صرفی، ساختار نحوی یکسان، مطرح کرده و به بررسی آن‌ها می‌پردازد. هدف این مقاله نقد و بررسی قواعد بلاغت سامی طبق شیوه کوپپرس با روش تطبیق آن‌ها در سوره صف است. در این مقاله پس از تبیین و توضیح نظریه مذکور، جامعیت و کارایی آن از طریق تطبیق قواعد مورد استناد کوپپرس در سوره صف مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و مشخص شده است قواعد بلاغت سامی در این سوره در سطح مَقْطَع، سِلْسِلَه در همه آیات کارآمد و در سطح مَفْصَل، فَرَع، قِسم و جُزء در تعدادی از آیات ناکارآمد است.

کلیدواژه‌ها: بلاغت سامی، کوپپرس، انسجام قرآن، نظم متقارن، نظم معکوس

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۲ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲

۱ - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و زبان‌ها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

mohammadhosein45@gmail.com

۲ - نویسنده مسئول: دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

dr.simin.valavi@gmail.com

۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی baqeralireza45@gmail.com

۱. مقدمه

وقتی درباره بلاغت سخن گفته می‌شود ذهن به مفهوم یونانی فن تعبیر زیبایی یا تزئین خطاب در زبان عربی، منتقل می‌شود.

اما شیوه تحلیل ساختاری در بلاغت سامی قبل از این که شیوه بلاغی به معنی کنونی در زبان عربی باشد، یکی از شیوه های بررسی نظم ساختاری نبه شمار می‌رود زیرا بلاغت سامی که در شرق مورد استفاده بوده، بر ترکیب های اساسی زبان مانند توازی، مقابله معکوس و نظم محوری اتکا دارد و در بلاغت سامی این ترکیب ساختاری در تمامی سطوح تنظیم متن استفاده می شده است و بیان ساختارهای زبانی در سطوح گوناگون وظیفه اصلی این شیوه تحلیل بلاغی بوده است. نیز هماهنگی اجزاء سوره ها در تناسب آن ها، تأثیر جنبه های ساختاری بر مضمون و محتوای قرآن، نظم کلی سوره و ارتباط اجزاء یک سوره با همدیگر به جای نظم واحدهای جمله ای، نظم و ارتباط برخی سوره ها با همدیگر از طرق بررسی واحدهای مشابه هم معنا در این سوره ها، واژه شناسی، تمثیل، ترادف، تضاد، اینهمانی، مقابله، آوا و هم صدایی، مشابهت های صرفی، ساختار نحوی یکسان، از ویژگی های ادبی قواعد نظم متقارن در زبان سامی است. لذا «زبان عربی از مستحکم ترین زبان های سامی است که عناصر اصلی زبان سامی را حفظ کرده و تنها از موطن زبان سامی برخاسته است» (صبحی صالح، ۱۳۷۹ هـ، ۳۶) و شامل ساختار ادبی زبان سامی است. بنابراین هدف قواعد نظم متقارن در تطبیق آن با آیات و سوره های قرآن، پاسخ به ادعاهایی است که معتقدند عبارات قرآن با همدیگر ارتباطی ندارند و می خواهد ثابت کند جملات قرآن دارای ساختار مرتبط به هم بوده و موضوعاتی پراکنده و بی ربط به هم نیست. لذا در این بحث «مفهوم فن ترکیب خطاب و تحلیل ساختاری متن قرآن در بلاغت سامی مورد نظر است» (کوپیرس، ۲۰۱۴، ۲۵).

همچنین پژوهش های ساختارشناسی سبب شده است محققان نگاهی دیگر به فهم قرآن داشته باشند.

آنان برای این منظور از قواعد گوناگون بهره برده‌اند. از جمله این محققان قرآن پژوه معاصر، میشل کوپیرس محقق بلژیکی است. وی از سال ۱۹۸۹م عضو انجمن مطالعات شرقی پدران دومینیکن^۱ در قاهره است. ایشان تحصیلات دکتری خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران به اتمام رسانده است. او دو کتاب (فی نظم قرآن) و (فی نظم سورة المائدة) را درباره نظم ساختاری قرآن نوشته است. کتاب وی به نام ولیمه، به عربی (فی نظم سورة المائدة) در سال ۱۳۸۷ برنده شانزدهمین دوره جایزه جهانی کتاب سال در جمهوری اسلامی ایران شده است. کوپیرس در پژوهش قرآنی خود با استفاده از شیوه بلاغت سامی و نظم متقارن و معکوس در سوره مائده، این سوره را بررسی کرده است. او معتقد است با بهره‌گیری از مطالعات مشابه درباره کتاب مقدس و با تکیه بر نظریه ادبی جدید، توانسته است رهیافتی نو به نظم و انسجام قرآن داشته باشد (کتاب ماه دین، ۱۲۸). کوپیرس در نظریه خود به فن تألیف کلام توجه می‌کند و دیدگاهی کل نگر به متن دارد. وی متن را به سطوح مختلف تقسیم می‌کند، آنگاه اشکال گوناگون تقارن را که سازنده ساختمان متن است می‌آورد، سپس با کمک شاخص‌های تألیفی (واژگان طرفینی، آغازین، مرکزی و پایانی) و با استفاده از روابط شاخص‌های تألیفی مانند تناظرهای واژگانی، ترادف، تضاد، هم صدایی و ساختارهای نحوی، به بررسی اشکال تقارن می‌پردازد و آنگاه ارتباطات و شاخص‌های مورد نظر را مورد بحث قرار می‌دهد. به عقیده او «در زمان گذشته علماء مسلمان به نظم ساختاری قرآن اهتمام داشته‌اند. اما اکنون بلاغت سامی تماماً به فراموشی سپرده شده و بلاغت یونانی جایگزین آن شده است. در نتیجه بلاغت کنونی عربی از پاسخ به سوال‌های دانشمندان درباره نظم ناتوان شده است. او می‌گوید یک عالم مسلمان چگونه می‌تواند به ساختار سامی و به صورت خاص ساختار عربی ذ توجه نکند» (کوپیرس، ۲۰۱۸، ۱۱).

در این مقاله، تلاش می‌شود قواعد مورد استفاده میشل کوپیرس در سوره صف تطبیق داده شود و روش ایشان در بررسی نظم متقارن، مورد تحلیل و نقد قرار گیرد.

۲. ضرورت

میشل کوپپرس مدعی است نظم متقارن که نوعی ساختار شناسی متون است درباره متن قرآن نیز تطبیق می‌کند. با توجه به این ادعا مهم است که این قواعد در یکی از سوره‌های قرآن تطبیق و مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

۳. اهمیت و هدف تحقیق

نظر به اهمیت نظریه نظم متقارن کوپپرس در اثبات انسجام متن قرآن کریم، هدف این رساله، تحلیل و بررسی این نظریه در سوره صف است تا میزان کار آمدی آن مشخص شود.

۴. پرسش تحقیق

نظریه مذکور در مرحله تطبیق بر سوره صف از لحاظ جامعیت و کارایی چگونه است؟

۵. فرضیه پژوهش

این نظریه در مرحله تطبیق و اجرا بر سوره صف به لحاظ جامعیت و کارایی، در برخی موارد نظام یافتگی را نشان می‌دهد.

۶. پیشینه

- کتاب (فی نظم سوره المائده)، چاپ دارالمشرق بیروت در ۲۰۱۴م- کوپپرس در این کتاب، نظم ساختاری سوره مائده را طبق قواعد نظم متقارن و بلاغت سامی بررسی می‌کند.

- کتاب (فی نظم القرآن)، چاپ دارالمشرق بیروت در ۲۰۱۸م- این کتاب درباره قواعد نظم متقارن نگاشته شده است. در این دو کتاب قواعد بلاغت سامی و نظم متقارن آمده است. در این مقاله این قواعد با تطبیق در سوره صف مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

- رساله دکتری با عنوان: تحلیل (نظم معکوس) در ساختار متن قرآن با تأکید بر اندیشه میشل کوپپرس مکنون، محمود، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، بهار ۱۳۹۵- در این

رساله روش کویپرس درباره تحلیل نظم متقارن در سوره مائده با تمرکز بر تحلیل بلاغی کویپرس از این سوره معرفی شده است.

-مقاله بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن (با تأکید بر دیدگاه میشل کویپرس)، مکوند، محمود، فصل‌نامه پژوهش‌های قرآنی، پاییز ۱۳۹۴، ص ۴-۳۳. نویسنده در این مقاله، تحلیل کویپرس از سوره القارعه و بخشی از سوره مائده را معرفی کرده است. اما در تحقیق حاضر قواعد نظم متقارن در سوره صف تطبیق داده می‌شود و کارآمدی و ناکارآمدی این قواعد مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد و روشن می‌شود این قواعد در همه موارد کارآمد نیست.

۷. بلاغت سامی و قواعد نظم متقارن

در بلاغت سامی متن به سطوح مختلف به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌شود.

۱.۷. سطح مفصل: تعریف: مفصل واحد اولیه سطح در تنظیم بلاغی است که معمولاً شامل چند عنصر بوده که مجموعه‌ای از عناصر نحوی مرتبط با هم را تشکیل و با حروف (أ، ب، ج) نمایش داده می‌شود (همان، ۳۸). در این سطح جملات و آیات با توجه به ارتباط معنایی و نحوی، در یک یا در چند آیه به مفصل تقسیم‌بندی می‌شوند. چنانچه این ارتباط تنها در یک آیه یا در بخش‌هایی از یک آیه باشد آن آیه به تنهایی و یا آن بخش‌ها می‌تواند طبق نظر محقق یک مفصل محسوب شود و اگر در چند آیه باشد آن چند آیه یک مفصل محسوب می‌شوند (همان، ۳۸ و ۴۰).

۲.۷. سطح فرع: فرع سطح دوم از متن است که گروهی از آیات در یک دسته قرار می‌گیرند که با هم تقارن دارند. سطح فرع در برگیرنده یک یا دو یا سه مفصل و نه بیشتر است (کویپرس، ۳، ۱۷ و ۲۰).

۳.۷. سطح قسم: قسم هرگز بیش از سه فرع نیست. در تقسیم‌بندی قسم شاخص‌های: تطابق تام و جزئی عناصر و مفاصل، مناسبت، تشابه و تضاد و تقابل در عناصر (مفردات، افعال،

اسامی، حروف، جملات) و معانی مفاصل و جملات، وابستگی مفاصل به هم ملاحظه می‌شود (کویپرس، ۱۴، ۲۰، ۵۰ و ۵۵)

۴.۷. سطح جزء: جزء از یک یا دو و حداکثر سه قسم تشکیل می‌شود. (همان، ۳۸). در سطح جزء، متن تطابق‌های بیش‌تری با هم دارد و آیات از لحاظ معنی مورد توجه قرار می‌گیرند مانند: تضاد و تقابل، تکامل، مشابهت، مطابقت و توازی، سجع، تشکیل نظم محوری، معکوس. (همان، ۵۵ و ۶۰)

۵.۷. سطح مقطع: سطح مقطع بر خلاف سطوح قبل از خود اولین سطح مستقل است و می‌توان از یک واحد متنی تا بیش از سه واحد متنی (یک تا بیش از سه جزء) قبل خود را شامل شود و به صورت یک کل در شکل و مضمون تألیف می‌شود و می‌تواند مستقل از قبل و بعد از خود مورد بررسی قرارگیرد (همان، ۶۳). نیز می‌تواند یک جزئی یا یک قسمی یا حتی یک فرعی در قالب یک مقطع باشد (همان، ۶۷).

بنابراین برای دسته بندی مقطع به مجموعه آیات بامعانی مستقل و نحوی، تناسب، تناظر، مشابهت، تضاد، مجاورت، دوتایی بودن و تمامی شاخص‌های تألیفی توجه می‌شود.

۶.۷. سطح سلسله: سطح سلسله، بالاتر از سطح مقطع است و مضمون دسته آیات مورد نظر است. مانند آیات ۱۲ تا ۲۶ سوره مائده که داستان ورود ناموفق بنی اسرائیل به ارض مقدس را بیان می‌کند (همان، ۶۸). در تحلیل این آیات معنا و مضمون دو مقطعی که این سلسله را تشکیل داده‌اند، تمامی شاخص‌های تألیفی مورد ملاحظه قرار گرفته است (همان، ۶۸-۷۳).

۷.۷. سطح شعبه: شعبه با توجه به حجم آن در دسته بندی بالاتر از سلسله قرار می‌گیرد و مجموعه آیات با توجه به معنای آن‌ها در نظر گرفته می‌شود و در آن تمامی شاخص‌های تألیفی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. مثلاً آیات ۱ تا ۷۱ و آیات ۷۲ تا ۱۲۰ سوره مائده هر کدام یک شعبه هستند (همان، ۷۷-۷۸).

۸.۷. سطح کتاب: در بالاترین سطح نظم قرار می‌گیرد و در بررسی قرآن تمام کتاب قرآن مورد نظر است ولی سوره‌های طولانی را به عنوان کتابچه‌هایی در ضمن کتاب قرآن می‌توان دسته بندی

کرد (همان، ۷۹). در تحلیل کتاب نیز کتاب به چند شعبه دسته‌بندی می‌شود و مضمون مجموعه آیات مورد توجه قرار گرفته و تمامی شاخص‌های تألیفی تحلیل می‌شود (همان، ۷۹-۸۰).

۸. شاخص‌های تألیفی: تناظر و نظم

نظم متقارن و بلاغت ساختاری بر تناظر متکی است و شامل تناظر و تماثل: کلی و جزئی است.

۱.۸. **تناظر کلی:** تناظر کلی دارای سه شکل نظم: توازی، محوری و معکوس است.

-نظم توازی و انواع آن: نظم است که واحدهای مرتبط باهم به‌وسیله عنصر یا عناصر متناظر که به‌صورت زوج و متوازی و عناصر ساختاری به‌ترتیب آمده باشند (همان، ۱۸) مانند: (أ، ب، ج، د/أ، ب، ج، د)

۱.۱.۸. **توازی ترادفی:** هم‌معنایی و تقارب کلی، به عبارت دیگر واژگان متوازی و هم‌معنا است (کویپرس، ۲۰۱۷، ۲).

۲.۱.۸. **توازی تضادی:** وقتی دو یا چند واژه از لحاظ معنا با هم تضاد داشته باشند (همان).

۳.۱.۸. **توازی تولیفی یا تکاملی:** دومین مفصل توازی، مفصل اول را تکمیل می‌کند (همان).

۴.۱.۸. **نظم محوری یا ترکیب دایره‌ای:** وقتی یک عنصر مرکزی در وسط و دوطرف آن با هم توازی آینه‌ای داشته باشند (همان).

مانند: قرار گرفتن سؤال در مرکز شکل محوری:

مفصل ۱- إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (۱)

مفصل ۲- وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ (۲)

مفصل ۳- لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ (۳)

در این سه مفصل، دو مفصل ۱ و ۳ جملات خبری هستند و در هر دو واژه (لَيْلَةُ الْقَدْرِ) تکرار شده است. مفصل ۲ در مرکز، پرسشی است (کویپرس، ۱۱۳، ۲۰۱۴). در صورتی که دایره‌ای رسم کنیم مفصل ۱ و ۳ در اطراف دایره و مفصل ۲ در مرکز دایره قرار می‌گیرد.

۵.۱.۸. نظم معکوس یا ترکیب آینه‌ای یا مقابله عکسی در سطح جمله (کویپرس، ۲۰۱۷، ۲).

وقتی عناصر ساختاری به صورت عکسی آمده باشند. نظم معکوس مشابه نظم محوری است با این تفاوت که فاقد عنصر مرکزی است (کویپرس، ۲۰۱۴، ۴۱) مانند: (أ، ب، ج، د، د، ج، ب، ا).

۹. تناظر جزئی و شاخص‌های آن

این شاخص‌ها متنوعند گاه با تکرار یا ترادف یا تقابل یا هم صدایی یا جناس تام یا جناس ناقص یا سجع یا وابستگی دو کلمه به هم در یک واحد معنایی مثل (شمس، قمر که از اجرام فلکی است). گاهی هم صیغه نحوی همسان مانند دو فعل امر یا دو جمله با ترکیب نحوی همسان (کویپرس، ۲۰۱۷، ۳)

۱۰.۹. تجاوز: تجاوز در قواعد نحوی و بلاغی پشت سرهم آمدن دو عبارت با حرف ربط یا بدون حرف ربط است (کویپرس، ۲۰۱۸، ۲۷) تجاوز در بلاغت ساختاری شبیه به مبحث کمال و شبه کمال انقطاع و اتصال است.

در کمال انقطاع میان دو جمله پشت سرهم رابطه اعرابی و ادات عطف وجود ندارد (تفتازانی، بی‌تا، ۲۵۲).

۲۰.۹. دوتایی بودن: دو عنصر دوتایی در متن قرار داده شده و دو امر مشابه یا متضاد را که از هم تأثیر و تأثر می‌پذیرند، مقایسه می‌کند (کویپرس، ۲۰۱۸، ۲۳). مانند: آیات زیر از سوره الرحمن که عناصر با صیغه تشبیه‌اند: رب المشرقین و رب المغربین (۱۷) مرج البحرين (۱۸) جنتان (۴۶) ذواتا افنان (۴۸) فیها عینان تجریان (۵۰)

۳.۹. ترادف: مقصود واژگان هم‌معنا است.

۴.۹. تضاد: در آیه ۲ سوره مائده میان (تَعَاوَنُوا) و (وَلَا تَعَاوَنُوا) تضاد برقرار است (همان، ۸۳ و ۸۴).

۵.۹. تشابه: در سوره القارعه: تشابه میان (فراش المبثوث) و (العهن المنفوش)

۶.۹. تکرار یا اینهمانی: واژه‌ای است که یا عین واژه تکرار و یا ضمیرار جاع داده می‌شود (همان، ۱۸).

۷.۹. تماثل صوتی یا هم صدایی: منظور تکرار مصوت‌های مشابه در واژگان کلام است (همان). مانند واژه‌های پایانی در آیات سوره اعلیٰ.

۸.۹. مشابهت‌های صرفی: شباهت‌های صرفی که ارتباط میان واژگان کلام را تحقق می‌بخشد که به شرح زیر است:

- هم‌ریشه بودن: مائده آیه ۲: وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ - در اینجا سه فعل با ریشه (عَلِمَ) آمده است.

- افعال هم صیغه: صیغه نحوی همسان مانند دو فعل امر یا دو جمله با ترکیب نحوی همسان (کوپرس، ۲۰۱۷، ۳).

- ساختار نحوی یکسان: مانند آیه ۴۲ از سوره مائده:

فَإِنْ جَاءَكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ وَ أَعْرِضْ عَنْهُمْ

وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ

فَلَنْ يَضُرَّكَ شَيْئًا

وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ----- إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

الْمُقْسِطِينَ

در نمونه فوق سه فرع وجود دارد که در سه مفصل نخست جمله شرط با حرف شرط (ان) آغاز شده و مفصل دوم جزای شرط است که حرف (فاء) جزاء برسر آن آمده (کوپرس، ۲۰۱۴، ۲۲۴ و ۲۲۵). یا دو جمله با ساختار نحوی مشابه در سوره تکویر (إذا الشمس كورت - وإذا النجوم

انکدرت). نیز مؤلفه و تطابق نحوی مانند وجود دو فعل امر (فمهل الکافرین... امهلهم رویدا) (همان، ۱۸).

۱۰. تطبیق قواعد بلاغت سامی در سوره صف

۱۰.۱۰. سطح مفصل: سوره صف در این تحلیل به ۳۸ مفصل تقسیم بندی شده است.

(۱) (أ) سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (ب) وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

(۲) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

(۳) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

(۴) (أ) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا (ب) كَانَتْهُمْ بَيْنًا مَرْصُوصَ

(۵) (أ) وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ (ب) يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُونَني (ج) وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ

إِلَيْكُمْ

(د) فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ (س) وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

(۶) (أ) وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ب) يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ

يَدَيَّ مِنَ النُّورَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولِ

(د) يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (س) فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ

(۷) (أ) وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ (ب) وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ (ج) وَاللَّهُ لَا

يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

(۸) (أ) يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ (ب) وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

(۹) (أ) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ (ب) لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

المُشْرِكُونَ

(۱۰) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ

الْيَمِّ

(۱۱) (أ) تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (ب) وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ (ج) ذَلِكَمُ

خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

- (۱۲) (أ) يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ (ب) وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِنٍ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ (ج) ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ
- (۱۳) وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشْرُ الْمُؤْمِنِينَ
- (۱۴) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ (ب) كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لَلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ (ج) قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ (د) فَأَمَمْتُ طَائِفَةً مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتُ طَائِفَةً (س) فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى عَدُوِّهِمْ (ص) فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

تقسیم بندی مفاصل این سوره طبق روش کوپیرس با توجه به معنا و روابط نحوی انجام گرفته است. ابتدا شماره آیه را در اول آیه قرارداده و برخی آیات با توجه به تعدد جملات و ارتباط درونی این جملات به چند مفصل تقسیم بندی شده که با (أ) و (ب) و (ج) و... نشان داده شده تا در صورت نیاز به آدرس مفصل‌ها ارجاع داده شود. مفصل (أ۱) و (ب۱) دارای انسجام نحوی داخلی و خارجی است و با هم ارتباط معنایی دارند. از مفصل (ب۱) تا (۳) دارای ارتباط نحوی داخلی و خارجی است و با هم ارتباط معنایی دارند. مفصل (أ۴) و (ب۴) دارای ارتباط نحوی داخلی و خارجی است و با هم ارتباط معنایی دارند. از مفصل (أ۵) تا (س۵) دارای ارتباط نحوی داخلی و خارجی است و با هم ارتباط معنایی دارند. از مفصل (أ۶) تا (س۶) دارای ارتباط نحوی داخلی و خارجی است و با هم ارتباط معنایی دارند. مفصل (أ۷) و (ب۷) دارای ارتباط نحوی داخلی و خارجی است و با هم ارتباط معنایی دارند. مفصل (ج۷) دارای انسجام نحوی و ارتباط داخلی است. مفصل (أ۸) و (ب۸) دارای ارتباط نحوی داخلی است و با هم ارتباط معنایی دارند. مفصل (أ۹) و (ب۹) دارای ارتباط نحوی داخلی و خارجی است و با هم ارتباط معنایی دارند. مفصل (أ۱۰) و (ب۱۰) دارای ارتباط نحوی داخلی و خارجی است و با هم ارتباط معنایی دارند. مفصل (أ۱۱) دارای ارتباط نحوی داخلی است و با اطراف خود ارتباط معنایی دارد. مفصل (ب۱۱) تا (ج۱۲) دارای ارتباط نحوی داخلی و خارجی است و با هم ارتباط معنایی دارند. مفصل (۱۳) دارای ارتباط نحوی و ارتباط معنایی داخلی است. مفصل (۱۴) دارای ارتباط نحوی و ارتباط معنایی داخلی است.

مفصل (۱۴ ب) دارای ارتباط نحوی و ارتباط معنایی داخلی است. مفصل (۱۴ د) دارای ارتباط نحوی و ارتباط معنایی داخلی است. مفصل (۱۴ س) دارای ارتباط نحوی و ارتباط معنایی داخلی است. مفصل (۱۴ ص) دارای ارتباط نحوی داخلی و خارجی و با مفصل قبل ارتباط معنایی دارد.

۲.۱۰. سطح فرع

فرع دومفصلی: (۱) (أ) سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (ب) وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

این فرع دارای توازی تولیفی و تکاملی (أ،أ') است. زیرا ستایش و تسبیح همه موجودات درآسمان‌ها و زمین به سبب عزت و حکیم بودن خداوند است. لذا مفصل (۱ ب) تکمیل کننده مفصل (۱ أ) است. عناصرارتباطی: (الله) و (هو) در معنی یکسان و تشابه و تقارن دارند. لذا قواعد فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی: (۲) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

این فرع توازی ترادفی (أ،ب،ب') دارد. مفصل اول آغاز کلام و خطاب و دو مفصل بعد به این خطاب مربوط است. دو مفصل دوم و سوم در دو جمله مشابه (لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ) و (أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ) توازی دارند.

عناصر ارتباطی: دو عنصر مشابه (تَقُولُونَ و تَقُولُوا)، دو عنصر کاملاً مشابه و اینهمانی (مَا لَا تَفْعَلُونَ) در مفصل (۲ ب) و (۳)، ارتباط و مشابهت معنایی میان (الَّذِينَ آمَنُوا) و ضمائر (و) در افعال (تَقُولُونَ و تَقُولُوا و لَا تَفْعَلُونَ)، مشابهت نحوی میان دو جمله (لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ) و (أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ). بنابراین قواعد مذکور در این فرع کارآمد است.

فرع دومفصلی: (۴) (أ) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا (ب) كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ

این فرع دارای توازی (أ،أ') است. چون مشابهت معنایی در صف مستحکم میان دو مفصل این فرع وجود دارد (صَف، بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ). (صَفًّا) یعنی صافین (به صف شوندگان) یا مصفوفین (به

صف شدگان) در این جا کلمه (صَفًّا) مصدر است که جانشین حال شده است، یعنی در حالت این صف شدن هستند و این حالت مانند بنیانی است که از سُرب بنا شده است (ابن عجبیه، ۳۳).
عناصرارتباطی: مشابهت معنایی میان (الَّذِينَ وَهُمْ). در نتیجه قواعد فرع و مفصل در این فرع کارآمد است. فرع سه مفصلی:

(۵) (أ) وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ (ب) يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُّونَنِي (ج) وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ

میان سه مفصل این فرع، ارتباط معنایی وجود دارد. مفصل (۵) - قَالَ لِقَوْمِهِ) و (۵) - يَا قَوْمِ) در خطاب قراردادن قوم مشابه و توازی ترادفی (أ، ا، ب) دارند.

عناصر ارتباطی: دو عنصر مشابه معنایی (مُوسَى) و (ي) در مفصل (۵، ا، ب، ج)، دو عنصر کاملاً متقارن و اینهمانی (قوم) در مفصل (۵، ا، ب)، میان مفصل (۵) و (ج) رابطه تجاوز وجود دارد. قواعد فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع دومفصلی: (د) فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ (س) وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الْفَاسِقِينَ

این دو مفصل در معنای سلبی و انحراف و عدم هدایت، مشابهت و تقارن دارند و دارای نظم توازی (أ، ا) هستند.

عناصرارتباطی: قاب بندی این فرع با کلمه (الله) و دو عنصر مشابه معنایی و متقارن (هُم و الْقَوْمِ). با توجه به ارتباط معنایی این فرع با فرع قبل و اشتراک عناصر (الله، هُم، الْقَوْمِ) با عناصر مشابه در دو فرع قبل. این فرع می‌تواند به آن ملحق و تحلیل شود. اما قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را مجاز نمی‌داند. لذا قواعد نظم متقارن در این فرع ناکارآمد است.

فرع سه مفصلی: (۶) (أ) وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ب) يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ

إِلَيْكُمْ

(ج) مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ

این فرع دارای توازی ترادفی (أ، ب، ب) است. زیرا دو مفصل (۶، ب، ج) در رسول خدا بودن به هم شباهت و تقارن دارند. نیز از لحاظ معنایی در مفصل (۶، ب) عیسی اعلام و تصدیق می‌کند

که رسول خداست و در مفصل (۶ج) اعلام می‌کند که بشارت دهنده به رسول بعد از خود است و این دو تصدیق نیز تشابه معنایی دیگری میان این دو مفصل است. لذا این دو مفصل در رسول الله بودن و تصدیق، مشابه و متقارن و متوازی‌اند. به این معنی که به‌طور عام تصدیق‌کننده احکام تورات است (ابن عاشور، ۱۸۱).

عناصرارتباطی: مشابهت معنایی سه مفصل این فرع، دو عنصر مشابه معنایی (عیسی) و (ی) در (إِنِّي وَ يَدِّي)، عنصر مشترک (رَسُولُ) در دو مفصل (۶ب، ۶ج). با توجه به ارتباط معنایی این فرع با دو فرع قبل و اشتراک عناصر (الله، هُمْ، الْقَوْمُ، رَسُولُ) با عناصر مشابه در فرع قبل، نیز خطاب قرار دادن، این فرع می‌تواند به آن دو ملحق و تحلیل شود، این سه فرع با هم نظم محوری (أ، ب، ج، د/د، ا، ب، ج) دارند.

ترتیب نشانه‌گذاری این نظم: (فرع ۵-ج به ترتیب با حروف ا، ب، ج)، (فرع ۶-ج به ترتیب با حروف ا، ب، ج) و (فرع ۵-د-س در مرکز که با حرف د) نمایش داده شده‌اند. اما قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را مجاز نمی‌داند. لذا این قواعد در این فرع ناکارآمد است. فرع دومفصلی: (د) أَتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (س) فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

در این فرع دو عنصر مشابه معنایی و متقارن (أَحْمَدُ وَ هَذَا) وجود دارد. لذا این فرع دارای نظم توازی (أ، ا) است.

عناصرارتباطی: دو عنصر (أَحْمَدُ وَ هَذَا) سبب ربط دو مفصل این فرع به هم است. کلمه هذا به احمد اشاره می‌کند. وقتی پیامبری که عیسی او را احمد نامید با دلایل روشن به سوی مردم فرستاده شد، گفتند این سحر یا ساحر آشکار است (همانجا). لذا قواعد فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی: (۷) (أ) وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ (ب) وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ (ج) وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

این فرع دارای نظم محوری (أ، ب، أ) است، در طرف اول (أ) از کسانی سخن گفته شده که افتراء و دروغ به خدا می‌زنند که ظالم‌ترینند (مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ). در طرف دوم (ج) از عدم هدایت قوم ظالمین سخن می‌گوید (اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ). این دو طرف در ظلم کردن با هم مشابه و توازی دارند. در مفصل مرکزی (ب) علت را بیان می‌کند که این فرد با اینکه به اسلام دعوت می‌شود با این حال به خدا افتراء می‌زند.

عناصر ارتباطی: عنصر طرفینی (الله) این فرع را قاب بندی کرده و سه مفصل را به هم مربوط کرده است. همچنین (هُوَ) در مفصل دوم به (مَنْ) برمی‌گردد. بنابراین قواعد فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع دو مفصلی: (۸) (أ) يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ (ب) وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

این فرع دو مفصلی است و به‌طور روشن توازی تولیفی و تکاملی (أ، أ) دارند. در مفصل اول کافران می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند، در مفصل دوم خداوند کامل کننده نور خود است. کلمه (مُتِمُّ) در تکمیل صراحت دارد.

عناصر ارتباطی: قاب بندی این فرع به وسیله کلمه اینهمانی (الله)، مشابهت معنایی (الله و نور)، مشابهت معنایی (هُم، الْكَافِرُونَ)، مشابهت معنایی (الله) و ضمیر (ه) در (نُورِهِ). با توجه به ارتباط معنایی و خارجی فرع (أ-ب) با فرع (ج-أ) در این که قوم ظالمین در فرع قبل می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند و نیز اشتراک در کلمه اینهمانی (الله)، اشتراک معنایی (الظَّالِمِينَ، الْكَافِرُونَ)، فعل ماضی مشترک در صیغه (افْتَرَى، كَرِهَ)، مشابهت معنایی (الله) و ضمیر (ه)، این فرع می‌تواند به فرع قبل ملحق و با هم تحلیل شود ولی طبق قواعد نظم متقارن سه مفصل در یک فرع مجاز است. لذا این قواعد در این فرع کارآمد نیست.

فرع دو مفصلی: (۹) (أ) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ (ب) لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

این فرع نظم توازی تالیفی و تکاملی (أ، ا) دارد. مفصل (ب) مکمل مفصل قبل است و هدف ارسال رسول در مفصل (أ) را مشخص می‌کند. عناصر ارتباطی: دو عنصر اینهمانی (دین) در دو مفصل. مشابهت معنایی ضمیر (ه) در (لِيُظْهِرَهُ) در مفصل (ب) با (رَسُول) در (أ).

لذا قواعد فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع دوم مفصلی: (۱۰) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ

عَذَابِ أَلِيمٍ

فرع بالا دارای دو مفصل است در هر دو مفصل خطاب وجود دارد. لذا دارای نظم توازی (أ، ا)

است.

عناصر ارتباطی: مشابهت میان (الَّذِينَ) و ضمیر (كُم) که به (الَّذِينَ) برمی‌گردد. لذا قواعد

فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی: (۱۱) (أ) تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (ب) وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ

أَنْفُسِكُمْ

(ج) ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

این فرع دارای نظم تالیفی و تکاملی (أ، ا، ب) است. در مفصل (أ) ایمان به خدا و رسول

بیان شده و در مفصل (ب) این ایمان با مجاهدت با اموال و جان در راه خدا کامل تر می‌شود.

طبرسی می‌نویسد: آیا به تجارت نجات دهنده از عذاب دردناک مایلید، آن تجارت ایمان به خدا و

رسول و جهاد در راه خدا با مال و جان است (طبرسی، ۴۶۵).

عناصر ارتباطی: اشتراک کلمه اینهمانی (اللَّهِ) در مفصل اول و دوم، اشتراک عنصر اینهمانی

(كُم) در مفصل دوم و سوم، سه فعل مضارع هم صیغه و متقارن (تُوْمِنُونَ، تُجَاهِدُونَ، تَعْلَمُونَ)،

این فرع را به هم مربوط کرده است. فرع (ج) از جهت معنا مرتبط با فرع (ب) است.

راهنمایی به تجارت نجات دهنده از عذاب، ایمان به خدا و رسول و مجاهدت با مال و جان است.

لذا این فرع تکمیل کننده فرع قبل می‌باشد. همچنین این فرع دارای عناصر مشترک (كُم) و دو

عناصر مشترک معنایی (آمَنُوا، تُوْمِنُونَ) با فرع قبل است و می‌تواند با فرع قبل در یک فرع ۵

مفصلی تحلیل شوند، ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را اجازه نمی‌دهد. در نتیجه قواعد نظم متقارن در این فرع ناکارآمد است.

فرع سه مفصلی: (۱۲) (أ) يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ (ب) وَ يُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِينَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ (ج) ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

فرع (۱۲-ج) دارای نظم تولیفی و تکاملی (أ، ا، ب) است. در مفصل (۱۲) آمرزش گناهان بیان شده و سپس این آمرزش در مفصل (۱۲-ب)، با ورود به بهشت با اوصاف مذکور کامل‌تر می‌شود.

عناصر ارتباطی: عنصر اینهمانی (گم) در مفصل اول و دوم، مشابهت معنایی (ذَلِكَ) با معنای اسمی غفران و دخول (صافی، ۲۳۹) در (يَغْفِرُ وَ يُدْخِلُ)، دو فعل مضارع مشابه در صیغه (يَغْفِرُ، يُدْخِلُ). فرع (۱۲-ج) با فرع (۱۱-ج) ارتباط خارجی و معنایی دارد. در صورتی که کارهای موجود در فرع قبل که ایمان آوردن و مجاهدت است انجام شود غفران و دخول به بهشت صورت می‌پذیرد. نیز این دو فرع دارای عناصر مشترک (گم)، (ذَلِكْ، ذَلِكُمْ)، دو عنصر مشترک معنایی (حَيَّرَ، الْفَوْزُ الْعَظِيمُ) هستند، لذا این فرع می‌تواند با فرع قبل در یک فرع ۶ مفصلی تحلیل شود، ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را اجازه نمی‌دهد. بنابر این قواعد نظم متقارن در این فرع ناکارآمد است.

فرع تک مفصلی: (۱۳) (أ) وَ الْأُخْرَىٰ تَجْبُوهَا (ب) فَتَحَّ قَرِيبٌ (ج) وَ نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ (د) وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

فرع (۱۳) (أ) تک مفصلی و فاقد عناصر متناظر با فرع قبل و بعد است.

فرع دومفصلی: (ب) نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ (ج) وَ فَتَحَّ قَرِيبٌ

این فرع نظم توازی ترادفی (أ، ا) دارد. زیرا هر دو مفصل آن، در معنی پیروزی و ساختار نحوی (مبتدا و خبر) مشابهند.

عناصر ارتباطی: مشابهت معنایی میان (نَصْرٌ) و (فَتَحَّ). لذا قواعد فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع تک مفصلی: (د) وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

این فرع با توجه به معنی مشابه (الْمُؤْمِنِينَ) با (الَّذِينَ آمَنُوا) در فرع بعد، می‌تواند به فرع بعد ملحق و با هم تحلیل شوند، ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را اجازه نمی‌دهد. بنابراین قواعد نظم متقارن در این فرع ناکارآمد است.

فرع سه مفصلی: (۱۴) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ (ب) كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ (ج) قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ

این فرع دارای توازی مترادفی (أ، أ، أ) میان سه مفصل آن است. زیرا این سه مفصل در انصار خدا بودن باهم تشابه دارند. در مفصل (۱۴) امر شده انصار خدا باشید، در مفصل (۱۴) عیسی یاران خود را خطاب قرار می‌دهد که برای خدا انصار من باشید و در مفصل (۱۴) انصار خدا بودن اقرار شده است.

عناصر ارتباطی: عنصر اینهمانی (أَنْصَارَ اللَّهِ) این فرع را قاب بندی کرده است. عنصر اینهمانی (الله و أَنْصَارُ) در سه مفصل، فعل ماضی (قَالَ) با صیغه یکسان و دو عنصر مشابه (الْحَوَارِيُّونَ، الْحَوَارِيِّينَ) در دو مفصل (۱۴) ب، ج). لذا قواعد فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

فرع سه مفصلی: (د) فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ طَائِفَةٌ (س) فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ (ص) فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

این فرع دارای نظم توازی (أ، أ، ب) است. مفصل (۵۱۴) از ایمان طایفه‌ای از بنی اسرائیل گفته است و در مفصل (۱۴) از یاری و تأیید طایفه ایمان آورندگان توسط خداوند سخن گفته شده است.

عناصر ارتباطی: دو عنصر مشابه هم معنا (أَمَّتْ و آمَنُوا) در مفصل (۵۱۴، ۱۴) س، دو عنصر اینهمانی (طَائِفَةٌ) با عنصر (الَّذِينَ) مشابهت معنایی و تقارن دارند، ضمیر جمع مذکر متصل (و) در فعل (أَصْبَحُوا). فرع (۵۱۴-ص) با فرع قبل ارتباط خارجی و معنایی دارد. در فرع (۱۴-ج)، بعد از دستور به مؤمنان برای انصار خدا شدن، مثال عیسی و حواریون زده شده، نیز برای هشدار به مؤمنان مثل بنی اسرائیل بیان شده است. نیز با توجه به عناصر (أَمَّتْ، آمَنُوا، الَّذِينَ و ترکیب

الَّذِينَ آمَنُوا) با عناصر (آمَنُوا، الَّذِينَ و ترکیب الَّذِينَ آمَنُوا) در فرع قبل، این فرع می‌تواند با فرع قبل از خود تحلیل شود ولی قواعد نظم متقارن بیش از سه مفصل در یک فرع را اجازه نمی‌دهد که نشان از ناکارآمدی قواعد نظم متقارن در این فرع است.

۳.۱۰. سطح قسم: هر قسم با خط بلند (---) در بالا و پایین و هر فرع با خط کوتاه (----)

مشخص می‌شوند.

قسم تک فرعی دو مفصلی: (۱) (أَسْبَحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (ب) وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

قسم بالا به دلیل این که معنای مستقل دارد و به عنوان مقدمه سوره است یک قسم تک فرعی دو مفصلی است و از لحاظ نحوی و معنایی از انسجام درونی برخوردار است. نیز دو عنصر (الله) و (هو) در این قسم متقارنند. و همان طور که در سطح فرع تحلیل شد با هم توازی تولیفی و تکاملی (أ، ا) دارند.

قسم دو فرعی:

(۲) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

(۴) (أ) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا (ب) كَانَتْهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ

این قسم دارای نظم توازی تولیفی و تکاملی (أ، ا) است. زیرا دو فرع این قسم ارتباط معنایی دارند. در فرع اول مؤمنانی مورد خطاب قرار گرفته‌اند که سست هستند و در فرع دوم اعلام

می شود خداوند، کسانی (مؤمنانی) را که در راه او جنگ کرده و استوارند دوست دارد، در فرع دوم مؤمنان ثابت قدم معرفی شده اند.

عناصر ارتباطی: عناصر (الله) و (الَّذِينَ) دو فرع این قسم را به هم مربوط می کند. بنابراین قواعد فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

قسم دوفرعی:

(۵) (أ) وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ (ب) يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُونَني (ج) وَ قَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ

إِلَيْكُمْ

(د) فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ (س) وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

آیه ۵ یک قسم دو فرعی است. این قسم دارای انسجام داخلی معنایی و نحوی است. در فرع اول موسی قومش را خطاب قرار می دهد: با این که می دانید من رسول خدا هستم، چرا مرا آزار می دهید. فرع دوم جزاء و نتیجه آزار دادن موسی توسط قومش است و ارتباط معنایی با فرع اول دارد. لذا این فرع دارای نظم تولیفی (أ، أ') است.

عناصر ارتباطی: قاب بندی این فرع با عنصر اینهمانی (قَوْم)، کلمه (الله) در دو فرع، اشتراک معنایی عنصر (هُم) در مفصل (د) با (قَوْم) در مفصل (أ)، (ب) و (س). لذا قواعد فرع و مفصل در این فرع کارآمد است.

قسم دوفرعی:

(۶) (أ) وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ب) يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ

(ج) مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ

(د) يَا تِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (س) فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ

مُبِينٌ

دو فرع این قسم، دارای نظم تولیفی تکاملی (أ، ا) است. این دو فرع از لحاظ معنایی و نحوی به هم مربوطند. در فرع اول به یک پیامبر بشارت می‌دهد که نامشخص است و در فرع دوم نام این پیامبر مشخص و تکمیل می‌شود.

عناصر ارتباطی: دو عنصر هم‌معنای (بنی اسرائیل) در فرع اول و (هُم) در فرع دوم، سه عنصر هم‌معنای (رَسُولٍ) در فرع اول و ضمیر (ه) در کلمه (اسْمُهُ) و کلمه (أَحْمَدُ) در فرع دوم. در قسم (أ-س) و قسم (أ-س) با توجه به معنی مشابه در خطاب قراردادن قوم توسط (موسی) و (عیسی) و معرفی خودشان به عنوان پیامبر خدا و نیز وجود عناصر (وَ إِذْ قَالَ) و عنصر اینهمانی (أَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ) و مشابهت و تقارن در خطاب و معنا میان دو عنصر (يَا قَوْمُ) و (يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ) می‌تواند با قسم قبل (أ-س) در یک قسم تقسیم‌بندی و با هم تحلیل شوند. ولی طبق قواعد نظم متقارن بیش از سه فرع در یک قسم نمی‌تواند باشد. در نتیجه قواعد نظم متقارن در این فرع ناکارآمد است.

قسم سه فرعی:

(۷) (أ) وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ (ب) وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ (ج) وَاللَّهُ لَا

يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

(ب) وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

(۸) (أ) يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ

(۹) (أ) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ (ب) لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

این قسم نظم توازی (أ، أ، أ) دارد. زیرا (الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) در فرع اول، (الْكَافِرُونَ) در فرع دوم و (الْمُشْرِكُونَ) در فرع سوم در ایمان نداشتن به خدای یکتا، معنای مشابه داشته و با هم متقارن هستند. فرع اول افتراء ظالمین به خداوند را مطرح می‌کند، فرع دوم اقدام ظالمین برای خاموش کردن نور خداوند را بیان می‌کند و صفت کافرین را برای آنان قرار می‌دهد و در فرع سوم به نماد نور خدا که دین است اشاره می‌شود و برای ظالمین صفت مشرکین را تعیین می‌کند.

عناصر ارتباطی: کلمه (الله) در مفصل (أ۷) با کلمه (هُوَ) در (أ۹) هم‌معنا و به الله برمی‌گردد، کلمات (الله) در (۷ج) و (۸أ، ب)، کلمه (الْقَوْمَ) در (۷ج) و ضمیر (هُم) در (۸أ). قسم (۹ب-۸ج) و (۶س) با توجه به معنی مشابه میان دو عبارت (قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ در ۶س) و (مَنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ در ۱۷) و عنصر مشابه (رَسُولُ اللَّهِ) در دو قسم قبل و عنصر (رَسُولُهُ) در این قسم و آمدن کلمه (الله) و عنصر (هُم) و (الْقَوْمَ) و (بَنِي إِسْرَائِيلَ) هم‌معنا با قوم در سه قسم، می‌تواند در یک قسم تقسیم‌بندی و با هم تحلیل شوند، ولی طبق قواعد نظم متقارن بیش از سه فرع در یک قسم نمی‌تواند باشد. لذا قواعد نظم متقارن در این فرع ناکارآمد است.

قسم سه فرعی:

(۱۰) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ

(۱۱) (أ) تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (ب) وَ تَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ

(ج) ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

(۱۲) (أ) يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ (ب) وَ يُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي

جَنَّاتٍ عَدْنٍ

(ج) ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

این قسم متشکل از آیات ۱۰، ۱۱، ۱۲ از لحاظ معنایی و نحوی با هم مرتبطند. در آیه ۱۰ خداوند مؤمنان را مورد خطاب قرار می‌دهد که آیا می‌خواهید به تجارتی راهنماییتان کنم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟ این مفهوم در آیه بعد تکمیل می‌شود و اعلام می‌شود آن تجارت، ایمان به خدا و رسولش و مجاهدت در راه خدا با مال و جان است. سپس مفهوم آیه ۱۰ و ۱۱ در آیه ۱۲ کامل تر شده و نتیجه ایمان و مجاهدت اعلام می‌شود که آموزش گناهان و ورود به بهشت با اوصاف مذکور در آیه ۱۲ است. بنابراین سه فرع این قسم نظم توازی تولیفی و تکاملی (أ، ا، ا') دارند.

عناصرارتباطی: ضمیر اینهمانی (کم) در سه فرع، عنصر هم‌معنای (أَمْئُوا در ۱۰) و (تُؤْمِنُونَ در ۱۱)، دو عنصر متقارن تضادی (عَذَابٍ أَلِيمٍ در ۱۰ ب) و (الْفَوْزُ الْعَظِيمُ در ۱۲ ج).
قسم (۱۰-۱۲ ج) با قسم (۱۷-۹ ب) ارتباط معنایی در راهنمایی کردن دارد. در پایان قسم قبل ارسال رسول و هدایت و راهنمایی به دین حق و در این قسم مؤمنان به تجارت نجات دهنده راهنمایی می‌شوند. نیز قسم (۱۰-۱۲ ج) در کلمات (الله) و (رَسُولِهِ) و (الَّذِينَ) با قسم (۱۷-۹ ب) اشتراک دارد که با توجه به ارتباط معنایی و اشتراک در عناصر، می‌تواند با قسم قبل در یک قسم تقسیم‌بندی و با هم تحلیل شوند. ولی طبق قواعد نظم متقارن بیش از سه فرع در یک قسم مجاز نیست. لذا قواعد نظم متقارن در این فرع ناکارآمد است.

قسم تک فرعی تک مفصلی: (۱۳) (أ) وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا.

قسم (۱۳) (أ) تک فرعی و تک مفصلی و فاقد عناصرمتناظر با قسم قبل و بعد است.

قسم تک فرعی و دو مفصلی:

(ب) نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ

(ج) وَ فَتَحٌ قَرِيبٌ

این قسم دارای نظم توازی ترادفی (أ، ا') است. زیرا هر دو مفصل آن، در معنی پیروزی و ساختار نحوی مشابهند.

عناصر ارتباطی: مشابهت معنایی میان (نَصْرٌ) و (فَتَحٌ). لذا قواعد نظم متقارن در این قسم کارآمد است.

قسم سه فرعی:

(د) وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

(۱۴) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ

أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ

(ج) قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ

(س) فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَى

(د) فَأَمَّنْتَ طَائِفَةً مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ

عَدُوَّهُمْ

(ص) فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

این قسم دارای نظم توازی مترادفی (أ،أ،أ) است. در فرع اول (الْمُؤْمِنِينَ)، در فرع دوم و سوم (الَّذِينَ آمَنُوا) آمده که دارای معنای یکسانند و همان (أَنْصَارُ اللَّهِ-یاری کنندگان خدا) و (ظَاهِرِينَ-گروه پیروز) هستند.

عناصر ارتباطی: عناصر متقارن در معنا و از یک ریشه، (الْمُؤْمِنِينَ، در ۱۳ د)، (آمَنُوا، در ۱۴-۱۴ س)، (آمَنَتْ، در ۱۴ د)، مشابهت معنایی میان (نَا) در مفصل (۱۴ س) و (الله). لذا قواعد نظم متقارن در این قسم کارآمد است.

۴.۱۰. سطح جزء: طبق قاعده نظم متقارن جزء نباید بیش از سه قسم داشته باشد.

هر جزء با خط بلند (---) در بالا و پایین و هر قسم با خط کوتاه (---) مشخص می‌شود برای این که معلوم شود هر جزء چند قسم دارد. اکنون تقسیم‌بندی در سطح جزء.

جزء سه قسمی:

(۱) (أ) سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (ب) وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

(۲) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا

تَفْعَلُونَ

(۴) (أ) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا (ب) كَأَنَّهُمْ بُنَيَانٌ

مَرْصُوصٌ

(۵) (أ) وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ (ب) يَا قَوْمِ لِمَ تَوَدُّونَنِي (ج) وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ

إِلَيْكُمْ

(د) فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ
 (س) وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

این جزء دارای نظم توازی تضادی (أ،ب،ب') است. تقارن تضادی میان (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُفَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا) در قسم دوم (أ۴) و (وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ) در قسم سوم (س۵)، نیز تقارن تضادی میان معنای کلی این جزء، به طوری که قسم دوم درباره مؤمنان و پایداری آنان و قسم سوم درباره اذیت کنندگان پیامبر و فاسقان و تردید کنندگان در راه خدا است.

عناصر ارتباطی: عنصر (هُم) در قسم دوم و سوم، مشابهت عنصر (هُوَ) با کلمه (الله)، وجود کلمه (الله) در سه قسم و قاب بندی این قسم به وسیله کلمه (الله)، که کمال اتصال میان اقسام این جزء است. در نتیجه قواعد نظم متقارن در این جزء کارآمد است.

 جزء سه قسمی:

(۶) (أ) وَ إِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ
 (ب) يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا
 بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ مُبَشِّرًا بِرَسُولٍ
 (د) يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (س) فَلَمَّا جَاءَهُمْ
 بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ

(۷) (أ) وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ (ب) وَ هُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ (ج) وَ اللَّهُ لَا
 يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

(۸) (أ) يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ
 (ب) وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ
 الْكَافِرُونَ

(۹) (أ) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ
 (ب) لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ
 الْمُشْرِكُونَ

(ب) هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ (۱۰) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

الِيم

(ب) وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ (۱۱) (أ) تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

وَأَنْفُسِكُمْ

(ج) ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

(ب) وَيُدْخِلِكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ (۱۲) (أ) يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ

مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ

(ج) ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

جزء (۱۶-۱۲ ج) متشکل از آیه ۶ تا ۱۲ است. قسم اول این جزء (آیه ۶) از لحاظ معنایی کاملاً با قسم دوم (آیه ۷، ۸ و ۹) مرتبط است. در آیه ۶ خطاب عیسی به بنی اسرائیل است و خود را تصدیق کننده تورات معرفی و نیز خود را مبشر به آمدن رسول بعد از خود می‌داند، ولی وقتی آن رسول با بینات به سوی آنان می‌آید، رسول بعدی یا بینات او را با گفتن (هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ) تکذیب می‌کنند. در قسم بعد (آیه ۷، ۸ و ۹) نسبت دروغ دادن به خداوند توسط دیگر انسان‌ها را مطرح می‌کند، در حالی که به اسلام هم دعوت می‌کنند که نتیجه آن عدم هدایت آنان توسط خداوند است. این دو قسم در تکذیب، مشابه هم هستند و در آیه ۸ بیان می‌کند که این تکذیب کنندگان می‌خواهند نور خدا را خاموش کنند در حالی که خداوند نور خود را کامل می‌کند و در آیه ۹ طریقه کامل کردن این نور به وسیله فرستادن پیامبران با آوردن دین حق بیان می‌شود. بعد از بیان فرستادن پیامبر در قسم دوم (آیه ۹)، در قسم سوم خطاب به مؤمنان، ایمان به خدا و پیامبر و جهاد در راه خدا با اموال و جان را مطرح می‌کند که نتیجه این ایمان در آیه ۱۲ آمرزش گناهان و ورود به بهشت بیان می‌شود. بنابراین قسم سوم تکمیل کننده قسم دوم است و با آن توازی تالیفی و تکاملی دارد. لذا قسم دوم مکمل قسم اول و قسم سوم مکمل قسم دوم بوده و با هم توازی تالیفی و تکاملی (أ، ا، ا) دارند.

عناصرارتباطی: عناصر متضاد (مُصَدِّقًا) در قسم اول با (الْكَذِبَ) در قسم دوم توازی تضادی دارند. همچنین ۵ کلمه (الله) و یک کلمه (هو) تقارن اینهمانی داشته و نیز عنصر اینهمانی (كُم) در قسم اول (آیه ۶) و سوم (آیه ۱۰، ۱۱ و ۱۲)، این جزء را به هم مربوط می‌کند. جزء (أ۶-۱۲ج) به دلیل داشتن عناصر مشترک (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا)، خطاب (إِذْ قَالَ عِيسَىٰ وَ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ)، (وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ- وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)، (قَوْمَ)، (هُمَ)، (الله)، (رَسُولُ اللَّهِ)، با جزء (أ۵-۱س)، می‌توانند با هم تحلیل شوند اما قواعد نظم متقارن بیش از سه قسم در یک جزء را اجازه نمی‌دهد. لذا در این جزء قواعد نظم متقارن ناکارآمد است.

 جزء تک قسمی و تک فرعی و تک مفصلی:

(۱۳) (أ) وَ الْآخِرَىٰ تَجِبُونَهَا جزء (أ۱۳) با قبل و بعد از خود عنصر مشترک ندارد.

 جزء سه قسمی:

(ج) وَ فَتَحَ قَرِيبًا

(ب) نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ

(د) وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

(۱۴) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ

(ج) قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ

طَائِفَةٌ

(ب) كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ

(د) فَاَمَّنْتُ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ

(ص) فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

(س) فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ

در این جزء نظم معکوس (أ، ب // ب'، أ') برقرار است. در (۱۳ ب، ج) موضوع پیروزی مطرح شده، در (۱۳ د) موضوع مؤمنان ذکر شده و به مؤمنان بشارت داده می‌شود. در (۱۴ ا-س) موضوع مؤمنان آمده و به مؤمنان خطاب شده انصار خدا باشند و حمایت از مؤمنان در برابر دشمن بیان شده، در (۱۴ ص) موضوع پیروزی مطرح شده است (پیروزی، مؤمنان // مؤمنان، پیروزی). عناصر ارتباطی: کلمه اینهمانی (الله) در قسم اول و سوم، مشابهت و تقارن (نَصْرٌ) و (أَنْصَارٌ)، مشابهت و تقارن (الْمُؤْمِنِينَ، أَمْوَا، أَمَّنْتُ)، مشابهت معنایی میان (نَصْرٌ، فَتَحٌ، أَنْصَارٌ، ظَاهِرِينَ). کشف تقارن‌هایی مانند تقارن میان (نَصْرٌ)، (أَنْصَارٌ) و (الْمُؤْمِنِينَ)، (أَمْوَا) از نقاط قوت تحلیل متن، طبق قواعد نظم متقارن است و جوابی است به مستشرقینی که معتقدند متن قرآن بی‌ربط به هم است. لذا قواعد نظم متقارن در این جزء کارآمد است.

۵.۱۰. **سطح مقطع:** طبق قواعد نظم متقارن در سطح مقطع دیگر محدودیتی در تعداد جزءها در یک مقطع وجود ندارد. هر مقطع با خط بلند (---) در بالا و پایین و هر جزء با خط کوتاه (---) مشخص می‌شود برای این که معلوم شود هر مقطع چند جزء دارد.

اکنون این سوره را به دو مقطع تقسیم کرده و هر مقطع را به‌طور جداگانه نقد و بررسی خواهیم کرد.

مقطع اول از آیه ۱ تا پایان آیه ۹

(۱) (أ) سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (ب) وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

(۲) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (۴) (أ) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا (ب) كَانَتْهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ

(۵) (أ) وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ (ب) يَا قَوْمِ لِمَ تَتُودُونَنِي (ج) وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ (د) فَلَمَّا رَأَوْا آرَاغَ اللَّهِ قُلُوبَهُمْ (س) وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

(۶) (أ) وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ب) يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ (د) يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (س) فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ

(۷) (أ) وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (ب) وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ (ج) وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ - (۸) (أ) يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ (ب) وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

(۹) (أ) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ (ب) لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

چنان که قبلاً توضیح داده شد از سطح مقطع به بعد، سطوح مستقل بوده و به صورت کلی، شکلی و مضمونی مورد بررسی قرار می گیرند. نمونه این نوع بررسی در مواضع مختلف کتاب (فی نظم سوره المائدة) انجام گرفته و خواننده به این کتاب ارجاع داده می شود (کوپیرس، ۲۰۱۴، ۱۹۱، ۲۰۷ و ۲۴۱). در این مقطع با تدبر در آیات آن عناصر مشابه و متقارن مشاهده می کنیم. در آیه اول ابتدا تسبیح خداوند از سوی آن چه در آسمان ها و زمین است، مطرح می شود و بلافاصله دو صفت عزیز و حکیم بودن خداوند بیان می شود. عزیز به معنای قوی و غالب (ابن منظور، ۳۷۶ و ۳۷۸) و حکیم به معنی داوری و قضاوت بسیار دقیق و از روی استدلال بسیار سخت و به عدل (همان جا). پرتواک عبارت (وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) در آیات (۱۴)، (۵۵، س)، (۷ج)،

(ب) و (۹، ا) وجود دارد. از این پژوهش‌ها می‌توان گفت که این جملات معلوم و تقارن آن‌ها روشن می‌شود. خداوند با حکمت و عدل کسانی را که در راه او جنگ می‌کنند دوست دارد (يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ). خداوند قومی را هدایت نمی‌کند (وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ) که خود از حق سرپیچی و سبب آن را فراهم کرده باشند (فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ). نیز خداوند زمانی قوم ظالم را هدایت نمی‌کند (وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) در حالی که به اسلام دعوت می‌شوند به خدا افتراء می‌زنند. همچنین خداوند با قدرت و غلبه و حکمت در برابر افرادی که با پیروی نکردن از انبیاء آنان را آزار می‌دهند و ظلم کرده و به خداوند افتراء می‌زنند، نور خود را کامل می‌کند (وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ) و مصداق بارز کامل کردن نور خود فرستادن پیامبران با دین حق برای هدایت مردم است (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ).

عناصر ارتباطی: میان سه خطاب (۱۲، ۵، ۶، ب) تقارن است. نیز میان (أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ در ۵، ج، و ۶) مؤلفه اینهمانی برقرار است. میان دو جمله سؤالی (لِمَ تَقُولُونَ) و (لِمَ تُؤْذَوْنِي) مشابهت و تقارن اینهمانی در ادات استفهام است. لذا این مقطع در سه حالت کلی، شکلی و مضمونی دارای عناصر معنایی و تقارن و منسجم و موضوعات و آیات آن باهم مرتبطند. این مقطع دارای نظم آینه‌ای (أ، ب، ج // ا، ب، ج) است. به این صورت که: عنصر (وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ) در (أ) با عنصر (وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ) در (ب) در این که خداوند خودش را توصیف کرده، عنصر (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا) در (۱۴) با عنصر (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ) در (۱۹) مربوط به فعل الهی و عنصر (الْفَاسِقِينَ) در (۵، س) با عنصر (الْمُشْرِكُونَ) در (۹، ب) در صفت منفی، با هم مشابهت و تقارن دارند.

ترتیب نشانه‌گذاری این نظم: (۱۱) و (۸) به ترتیب بانگانه (أ، ا) - (۱۴) و (۱۹) به ترتیب با نشانه (ب، ب) - (۵، س) و (۹، ب) به ترتیب با نشانه (ج، ج)، مشخص شده است. این سوره در سطح مقطع اول با اجرای قواعد نظم متقارن کاملاً به هم مربوط است و قواعد نظم متقارن در این مقطع کارآمد است.

مقطع دوم از آیه ۱۰ تا پایان ۱۴

(۱۰) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱۱) (أ)
 تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (ب) وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ (ج) ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ
 كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۲) (أ) غُفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ (ب) وَ يُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ
 طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ (ج) ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

(۱۳) (أ) وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا (ب) نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ (ج) وَفَتْحٌ قَرِيبٌ (د) وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

(۱۴) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ
 أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ (ج) قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ (د) فَأَمَنَتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتْ
 طَائِفَةٌ (س) فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ (ص) فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

نظم آینه‌ای و معکوس (أ، ب، ج // ج، ب، أ) در این مقطع برقرار است. زیرا دو خطاب اینهمانی (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) این مقطع را قاب‌بندی کرده است که محکم‌ترین دلیل ارتباط آیات این مقطع با هم است. جمله (قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ) خطاب به حواریون است برای مشخص شدن انصار عیسی از میان حواریون. این خطاب نیز در خطاب قرارداد، با خطاب فوق (يَا أَيُّهَا...) مشابه و متقارن است که با (أ، أ) نمایش داده شده است. بعد از آن دو جمله استفهامی (هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ) و (مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ) در دو طرف این مقطع قرار گرفته و دلیل محکم دیگری بر ارتباط آیات این مقطع با هم است که با (ب، ب) نشان داده شده. در آیه ۱۲ جمله (يَغْفِرُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ) و (يُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ) دو نعمت مذکور برای مؤمنان است که با نعمت (نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ) در آیه ۱۳ مشابهت و تقارن دارند که با علامت (ج، ج) بیان شده. آیه ۱۱ با آیه ۱۴ ترادف تولیفی و تکاملی دارد، به این

صورت که (تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ) و (وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ) مقدمه‌اند برای این که ایمان مؤمن در نهایت کامل و از انصار الله باشد.

عناصر ارتباطی: وجود کلمه (الله) در سه جزء، افعال مضارع (تُؤْمِنُونَ، تُجَاهِدُونَ، تُحِبُّونَ) در جزء اول و دوم، استفاده از حرف جر (مِنْ) در سه جزء، عناصر هم‌معنای (أَمْوَأ، تُؤْمِنُونَ، الْمُؤْمِنِينَ، أَمْنَتٌ) و عناصر (الْفَوْزُ، نَصْرٌ، فَتْحٌ، أَنْصَارٌ، ظَاهِرِينَ) در سه جزء. بنابراین قواعد نظم متقارن در این مقطع کارآمد است.

۶.۱۰. سطح سلسله: سلسله دو مقطعی مقطع اول (آیه ۱-۹) و مقطع دوم (آیه ۱۰-۱۴)

(۱) (أ) سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ (ب) وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

(أ)

(۲) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (۳) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا

تَفْعَلُونَ (۴) (أ) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا (ب) كَانَتْهُمْ بَنِيَانٌ مَرْصُوصٌ

(ب)

(۵) (أ) وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ (ب) يَا قَوْمِ لِمَ تُوذُونََنِي (ج) وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ

(د) فَلَمَّا رَأَوْا آرَاغَ اللَّهِ قُلُوبَهُمْ (س) وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

(۶) (أ) وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ب) يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ

يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ (د) يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ (س) فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا

هَذَا سِحْرٌ مُبِينٌ

(ج)

(۷) (أ) وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ (ب) وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ (ج) وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۸) (أ) يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ (ب) وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۹) (أ) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ (ب) لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

(أ)

(۱۰) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱۱) (أ) تَوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (ب) وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ (ج) ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۲) (أ) يَعْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ (ب) وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ (ج) ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

(۱۳) وَآخَرَىٰ تَحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

(ب)

(۱۴) (أ) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا (ب) كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ (ج) قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ (د) فَأَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ (س) فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ (ص) فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

مقطع اول (آیه ۱-۹) و مقطع دوم (آیه ۱۰-۱۴) در یک سلسله قرار می گیرند. اکنون این دو مقطع را در این سلسله نقد و بررسی می کنیم. این سلسله به دو بخش طرفینی و یک بخش مرکزی تقسیم می شود. طرف اول از آیه ۱-۶، طرف دوم از آیه ۱۰-۱۴ و بخش مرکزی از آیه ۷-۹ است. این سه بخش دارای نظم محوری (أ، ب/ج، أ، ب) است. در نظم محوری، مرکز غالباً به صورت سؤال یا حکم یا شاهد یا مثل است و خواننده را به تفکر و اظهار رأی وادار می کند (کوپرس، ۲۰۱۷، ۳). در مرکز سه حکم (وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)، (وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ)، (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ)، صادر شده است. در دو طرف مرکز، مؤمنان با عبارت (یا

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا) مورد خطاب قرار گرفته‌اند. در طرف اول در (۱۲) و در طرف دوم (۱۰، ۱۴) که با (أ، أ) نشان داده شده است. تقارن تضادی میان (۵س- وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ- در طرف اول) و (۱۴س- فَأَيُّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا- در طرف دوم) که با (ب، ب) نمایش داده شده. کلمه (الله) که در مرکز وجود دارد، عیناً در دو طرف مرکز منتشر شده است. (قانون پنجم لوند). افکاری هم از مرکز در طرف اول آمده است. (قانون چهارم لوند). (وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) در مرکز که همانند آن در طرف اول آمده است. بنابراین در طرفین، خطاب و تقارن تضادی، وجود دارد و در مرکز هم حکم آمده است. لذا نظم محوری یا دایره‌ای را تشکیل داده به طوری که دو طرف در محیط دایره فرضی و حکم در مرکز قرار می‌گیرد. نیز در این بررسی روشن شد که طرف دوم (آیه ۱۰-۱۴) خود دارای نظم معکوس است. به این صورت که در آیه ۱۰ خطاب به مؤمنان، در آیه ۱۲ بیان نعمت، در آیه ۱۳ بیان نعمت، در آیه ۱۴ خطاب به مؤمنان وجود دارد. لذا به صورت (أ، ب // ب، أ) تنظیم می‌شود که دارای نظم معکوس یا آینه‌ای است. این نظم نیز نشان‌دهنده ارتباط آیات با همدیگر است. در نتیجه قواعد نظم متقارن در این سلسله کارآمد است.

سوره صف به دلیل کوتاه بودن تا سطح سلسله تحلیل می‌شود.

۱۱. نتیجه‌گیری

طبق قاعده نظم متقارن هر فرع، قسم و جزء، فقط از یک تا سه واحد قبل از خود تشکیل می‌شود. اما در این نقد و بررسی مشاهده شد برخلاف این قاعده، فرع، قسم و جزء، می‌تواند بیش از سه واحد قبل را هم داشته باشند و این موضوع، خللی در تحلیل ساختاری متن در این سطوح ایجاد نمی‌کند. لذا قواعد نظم متقارن در همه بخش‌های این سطوح در سوره صف کارآمد نیست. اما طبق قواعد نظم متقارن در سطح مقطع و سلسله با توجه به این که در این دو سطح، به سوره به عنوان یک متن مستقل با تمام تقسیم‌بندی‌های فرعی گذشته نگریسته می‌شود و مقطع و سلسله مستقلند و می‌توانند بدون در نظر گرفتن متن قبل و بعد از خود، مطالعه

شوند و نیز این دو سطح می‌توانند برخلاف فرع و قسم و جزء شامل بیش از سه واحد از واحدهای متنی پایین‌تر باشند؛ لذا قاعده نظم متقارن در سطح مقطع و سلسله کاملاً تطبیق داشته و کارآمد است. بنابراین برخلاف نظر کوپیرس که معتقد است این قواعد در همه سطوح کارآمد است، مشاهده شد قواعد نظم متقارن در زبان سامی در تعدادی از سطوح ناکارآمد است و در تعدادی دیگر کارآمد است؛ لذا این نظریه در مرحله تطبیق و اجرا بر سوره صف به لحاظ جامعیت و کارآمدی، نظام یافتگی را نشان نمی‌دهد و فقط در سطح مقطع و سلسله در همه موارد کارآمد است. ضمن این که کوپیرس بسمله را از تحلیل استثنا کرده و دلیلی برای این امر ارائه نکرده است.

۱۲. منابع

-قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴ م) التحرير و التنوير، جزء ۲۸، تونس، الدار التونسیه للنشر
۲. ابن عجبیه (بیتا) البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، جلد ۷، بی‌جا
۳. ابن منظور الأنصاری، محمد (۱۴۱۴ هـ) لسان العرب، جلد ۵، چاپ سوم، بیروت، دار صادر
۴. ابوعلی، فضل بن حسن، شیخ طبرسی (۱۹۹۵ م)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، جلد ۹، چاپ اول، بیروت، لبنان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات
۵. تفتازانی، سعدالدین (بیتا)، مطول باحاشیه سید میر شریف، جلد ۱، مکتبه الداوری
۶. صافی، محمود (۱۹۸۰ م)، الجدول فی اعراب القرآن و صرفه و بیان، جلد ۱۴، چاپ چهارم، بیروت، دارالرشید-دمشق، مؤسسة الایمان
۷. صبحی صالح (۱۴۰۷ هـ)، دراسات فی فقه اللغة، جلد ۱، چاپ اول ۱۳۷۹ هـ، بیروت، دار العلم للملایین
۸. فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۸ ق/۱۳۷۶ ش) ترجمه قرآن کریم، تهران، دارالقرآن الکریم

۹. کوپپرس، میشل (۲۰۱۷م)، کانون الثانی، دلیل تربیبی للتحلیل البلاغی، قاهره، المعهد الدومنیکی للدراسات الشرقيه.
۱۰. کوپپرس، میشل (۲۰۱۸م)، فی نظم القرآن، بیروت، لبنان دارالمشرق.
۱۱. کوپپرس، میشل (۲۰۱۴م)، فی نظم سوره المائده، بیروت، لبنان، دارالمشرق.
۱۲. مجله کتاب ماه دین (فروردین ۱۳۸۸ ش) شماره ۱۲۸، تهران.
۱۳. مکوند، محمود (بهار ۱۳۹۵ ش) رساله دکتری با عنوان: تحلیل (نظم معکوس) در ساختار متن قرآن با تأکید بر اندیشه میشل کوپپرس، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم.
۱۴. مکوند، محمود (۱۳۹۴ ش) «بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن با تأکید بر دیدگاه میشل کوپپرس» فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، پیاپی ۷۶، شماره ۳، ص ۴-۳۳.



A Study of Semitic Rhetoric and Rules of Symmetrical Order in Surah As-Saf

Mohammad Hossein Ahmadyar¹

Simin Valavi²

Alireza Baqer³

Abstract

In the field of Semitic rhetoric, about the Qur'an as the history of the writing indicators of Semitic rhetoric, by using Semitic rhetoric and symmetrical and reverse orders, he has taken a new approach to the Qur'anic text. Using the Semitic rhetoric, he divides the text into different levels, then presents and studies different forms of symmetry consisting of synonymous parallel, antonymous parallel, evolutionary parallel, order-based or circular composition, reverse order or mirror-like composition by means of the writing indicators of proximity, binarism, synonymy, antonymy, similarity, tautology, consonance, syntactic similarities, and the use of same syntactic structures. This article aimed to study the rules of Semitic rhetoric presented by Cuypers with the method of applying these rules in Sura As-Saf. Following an explanation of the above-mentioned theory, its comprehensiveness and function was analyzed. It was found that the rules of Semitic rhetoric in this surah are applicable at the level of *maqta'*, the chain, but at the level of articulation, branch, *qism*, and *juz'*, they are not applicable in a number of ayahs.

Keywords: Semitic rhetoric, Cuypers, Qur'anic cohesion, symmetrical order, reverse order

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

**Date Received: May 23, 2022; Date Accepted: July 11, 2022

1. Ph.D. student, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Central Tehran branch; Email: mohammadhossein45@gmail.com

2. Corresponding author: Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; Email: dr.simin.valavi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Islamic Azad University, Central Tehran Branch; Email: baqeralireza45@gmail.com